

گفت‌وگوی «جوآن» با پیروز ارجمند پیرامون بایسته‌های ایجاد «عدالت فرهنگی»

تأثیر کوتاهی دستگاه‌های مسئول بیش از تهاجم فرهنگی است



حسن حسینی استانیلیان مجری

مصطفی شاه کرمی عدالت فرهنگی، شاه‌بیت و نقطه محوری صحبت‌های اخیر مسئولان فرهنگی و هنری کشورمان است. ایجاد شرایط و زیرساخت‌های چنین مد‌عی بزرگی مستلزم صرف زمان و هزینه است. زمان زیادی از ابلاغ سیاست‌های گام دوم انقلاب اسلامی از سوی مقام‌معظم هبری نگذشته اما واضح است که اگر قرار باشد در حوزه فرهنگ و هنر همچنان در بر یاشسنه سابق بچرخد، نه تنها در محقق کردن اهداف این گام حرکتی به سمت تاکنون انباشته‌ایم، رشته‌های عوامی جلوسورت نمی‌گیرد بلکه آنچه را هم تاکنون انباشته‌ایم، رشته‌های عوامی کرد. «جوآن» به منظور بررسی عوامل و زمینه‌های تحقق و بایسته‌های عینی «عدالت فرهنگی» و همچنین فراهم آوردن لوازم و مواردی که در عملیاتی کردن آن با دکتر پیروز ارجمند که سابقه فعالیت در بخش‌های مختلف مدیریتی عرصه موسیقی کشور و نیز حوزه پژوهش‌های فرهنگی را دارد، گفت‌وگو کرده‌است. این پژوهشگر حوزه فرهنگ و هنر در عین حالی که می‌گوید اساساً چیزی به اسم سیاست‌گذاری یا استراتژی فرهنگی نداریم و به همین علت سهم سوه‌مدیریت و ترک فعل مسئولان در بروز کاستی‌های کنونی بیشتر از دشمنان و بیگانگان است، اعتقاد دارد دولت باید در عرصه فرهنگی و هنری، دست به جراحی جدی بزند و مبتنی بر نظر متخصصان و پژوهشگران کشورمان تجربیات جهانی را بررسی و مدل‌سازی کند. آنچه در ادامه می‌آید مشروح این گفت‌وگو است.

■ ■ ■

از مباحثی که اخیراً مسئولان وزارت ارشاد صحبت‌های زیادی در مورد آن مطرح می‌کنند مسئله «عدالت فرهنگی» است، از طرفی به تازگی شاهد برگزاری جشنواره موسیقی نواحی در شهر گبرگان بودیم، در حالی که طی سالیان اخیر این جشنواره به میزبانی شهر کرمان برگزار می‌شد. این جای‌جایی محل برگزاری جشنواره یسا حواسی و دلخوری‌هایی همراه شد که وزیر ارشاد ضمن اعلام برگزاری دوره‌های آتی این جشنواره در شهرهای مختلف کشور، علت اتخاذ چنین رویکردی را توجه به ایجاد و بسط مسئله «عدالت فرهنگی» بیان کرد. آیا اساساً می‌توانیم به توزیع جشنواره‌ها در شهرهای کشور اطلاق عدالت فرهنگی کنیم و آن را به عنوان رهیافتی در مسیر تحقق این مهم بدانیم؟

من تعریف دوستان را از عدالت فرهنگی نمی‌دانم که چیست اما این را می‌دانم که فرهنگ را مردم می‌سازند نه دولت‌ها!دولت‌ها کاتالیزورهای هستند که گاهی اوقات سهواً یا عمداً فرهنگ را دستکاری بیان آن را دچار معلولیتی می‌کنند. فرهنگ که دلش خوش است به یک جشنواره موسیقی نواحی، آن جشنواره را به شش جشنواره تقسیم کنند، این نه عدالت است و نه برنامه‌ریزی فرهنگی! این ناتوانی در برداشت و فهم از موسیقی نواحی ایران است. فهم از موسیقی نواحی، یعنی موسیقی نواحی زباید و شکل گرفته در خرده‌فرهنگ‌های روستایی و عشایری است و مجرای آن مردمانی هستند که نیاز به امنیت شغلی و اجتماعی و فرهنگی دارند و آن در سایه یک جشنواره محقق نخواهد شد. وقتی که عدالت است در حوزه موسیقی نواحی هیچ کمکی نشده است، چگونه می‌خواهیم جشنواره موسیقی نواحی را اینه تمام‌نمای حمایت بدانیم و آن را مصداق عدالت فرهنگی بخوانیم؟! بنابراین اصلان فکر می‌کنم چیزی به اسم مهندسی فرهنگی وجود ندارد که به تبع آن عدالت فرهنگی هم نمی‌تواند ایجاد بشود. اینکه دولت‌ها بر فرهنگ سایه می‌اندازند و متولی تمام امور و شئون فرهنگ می‌شوند، از نظر من به عنوان یک پژوهشگر حوزه فرهنگ این موضوع مورد سؤال است، چه اینکه همانطور که قبلاً گفتم، فرهنگ را دولت‌ها نمی‌سازند بلکه این مردم هستند که فرهنگ را می‌سازند. دولت‌ها فقط می‌توانند بر فرهنگ ساخته‌شده ناظر باشند و آن را تا حدودی مدیریت کنند.

نگذر شما چه اتفاقی باید بیفتد که عدالت فرهنگی احساس بشود یا عینیت پیدا کند؟

ما در حوزه فرهنگ یک بخش سخت‌افزار داریم که شامل زیرساخت‌ها و مکان‌های عمومی است که دولت‌ها آنها را می‌سازند و یک بخش نرم‌افزار داریم که این بخش توسط هنرمندان تولید می‌شود و دولت‌ها

اصولاً کار حمایت از محصولات فرهنگی را که اصطلاحاً آنها را محصولات هنری‌تر یا با مضامینی کارتر یا مفیدتر می‌دانند، انجام می‌دهند. به عنوان مثال شاید موسیقی پاپ نیازی به حمایت دولت‌ها نداشته باشد اما یک موسیقی مثل موسیقی سنتنی یا محلی این نیاز را دارد. دولت‌ها وظیفه‌شان این است که زیرساخت‌ها را مهیا کنند، این تجربه‌ای است که حدود ۶۰۰سال است در دنیا انجام می‌پذیرد و مدل‌سازی شده است، گاهی اوقات این مدل می‌تواند مانند مدل کشورهای مثل مازنی، ترکیه و قطر باشد که در حال اجرا هستند و جزو مدل‌های جدید در عرصه فرهنگ محسوب می‌شوند. یک مدل دیگری هم هست که در کشورهای اروپایی مثل فرانسه از قرن هفدهم به طور خاصی شکل می‌گیرد و تا همین الان هم ادامه دارد. ما در کشورمان نه مدل مازنی را اعمال می‌کنیم نه مدل اروپایی را بلکه مدلی داریم که بسته به روی کار آمدن هر دولتی متفاوت است. اساساً ما چیزی به اسم سیاست‌گذاری یا استراتژی فرهنگی نداریم و یکی از مشکلاتی که جامعه ما از آن رنج می‌برد به خاطر همین ناسامانی‌ها در سیاست‌گذاری و استراتژی‌های فرهنگی است و از آنجا که فرهنگ مثل اقتصاد نیست که خیلی زود خودش را نشان بدهد، بنابراین موقعی نتیجه این ناسامانی را می‌بینیم که دیگر اتفاق افتاده و کار از کار گذشته است که با عوانی مثل تهاجم فرهنگی، جنگ نرم و اشکال دیگری از آنها یاد می‌کنیم.

چه راهکاری برای بهبود اوضاع و تحقق عدالت فرهنگی پیشنهاد می‌کنید؟

من بارها این موضوع را گفته‌ام و هنوز هم معتقدم دولت باید یک جراحی فرهنگی انجام بدهد. عرصه فرهنگ ما امروز نیازمند یک جراحی بر اساس شناخت از جامعه است نه تکلیفی و دستوری و حتی امنیتی کردن فرهنگ. اصولاً وقتی فرهنگ دستوری یا امنیتی می‌شود، فرهنگ از بین می‌رود و به فقرهایم‌رود، این تجربه‌ای است که در همه دنیا انجام شده است، بنابراین دولت‌ها باید زیرساخت‌ها را آماده کنند و تولید فرهنگ را بر عهده هنرمندان بگذارند، اگر اینگونه عمل بشود فرهنگ به مثابه درختی که در طبیعت مراحل رشد و تکاملش را طی می‌کند، رشد خواهد کرد، در واقع دولت باید نقش حمایتی و هدایتی داشته باشد.

چجست؟

این جراحی نیازمند حضور کارشناسان خبره است نه تصمیم‌گیرندگان مقطعی در وزارتخانه‌ها یا سازمان‌هایی که در بهترین حالت هر چهار سال یک بار دچار تغییر و تحول می‌شوند، بنابراین تقریباً کسانی که در حوزه فرهنگ و پژوهش دارای سابقه و

فعالیتی هستند، خانه‌نشین شده‌اند و متأسفانه دولت‌ها از اینگونه افراد برای برنامه‌ریزی‌های فرهنگی‌شان استفاده‌ای نکرده‌اند، به همین علت معلولیت فرهنگی ما حاصل استفاده نکردن از متخصصان و پژوهشگران فرهنگی است که تجربه دارند و صاحب نظر هستند و تجربیات جهانی را بررسی و مدل‌سازی می‌کنند. وقتی به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی نگاه می‌کنید، متوجه می‌شوید بدنه کارشناسی یا پژوهشی این شورا نیاز به تقویت جدی دارد و متأسفانه مشاهده می‌کنیم تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌ها مبتنی بر یک پژوهش عمیق و واقعی نیست. این معلولیت فرهنگی حاصل نبود کارشناسان خبره در دولت‌هاست.

شما در دسته پیوسته به اهمیت بحث مهندسی فضای فرهنگی و تأثیرات آن بر اتفاقات و تصمیمات فرهنگی اشاره کردید. به نظر شما راه‌حل عملی مبتنی و منتج به امیدآفرینی در این عرصه چگونه باید صورت بگیرد؟

راه‌حل عملی این مسئله مدل‌سازی است. آنچه در صورت برخی از مسئولان ما از استقلال وجود دارد این است که ما خودمان همه چیز را اول مدل‌سازی کنیم، به این مناسبت، تأثیرات از ابتدا بسازیم، در حالی که ما باید موفق‌تر در دنیا وجود داشته و دارد که ما هم می‌توانیم با نگاه به آنها مدل‌سازی مخصوص به خودمان را انجام دهیم و نیازی نیست همه چیز را خودمان تجربه کنیم.

دولت باید یک جراحی فرهنگی انجام دهد که بر اساس نیاز جامعه صورت بگیرد نه تکلیفی و دستوری. بنابراین دولت‌ها باید زیرساخت‌ها را آماده کنند

دولت باید یک جراحی فرهنگی انجام دهد که بر اساس نیاز جامعه صورت بگیرد نه تکلیفی و دستوری. بنابراین دولت‌ها باید زیرساخت‌ها را آماده کنند

راه حل فرهنگ کشور مدل سازی است. جراحی نیازمند کارشناسان خبره است نه تصمیم‌گیرندگان مقطعی که در بهترین حالت هر چهار سال یک‌بار تغییر می‌کنند

راه حل فرهنگ کشور مدل سازی است. جراحی نیازمند کارشناسان خبره است نه تصمیم‌گیرندگان مقطعی که در بهترین حالت هر چهار سال یک‌بار تغییر می‌کنند

راه حل فرهنگ کشور مدل سازی است. جراحی نیازمند کارشناسان خبره است نه تصمیم‌گیرندگان مقطعی که در بهترین حالت هر چهار سال یک‌بار تغییر می‌کنند

کنسرت در کشور ساختیم، ما در سالن‌هایی مثل تالار وحدت که یک سالن استاندارد برای موسیقی و کنسرت است تقریباً چند ناهنجاری‌هایی نداشتیم، چون مخاطب در سالنی با آداب مشخص قرار می‌گیرد ولی بیش از ۹۰درصد دیگر شهرهای کشور کنسرت‌ها را در سالن‌های ورزشی و ورزشگاه‌ها برگزار می‌کردند! پس با ساختن سالن‌های استاندارد بسیاری از مضلات و ناهنجاری کنسرت‌ها حل می‌شود. آیا چنین اقداماتی صورت گرفته است؟! متأسفانه اقدامات در این زمینه بسیار ناچیز است و در حالی که به بیش از ۳۰۰سالان در کل کشور نیاز داریم، فعلاً چیزی حدود ۱۵سالن مجهز وجود دارد. این یک مورد بسیار ساده در حوزه برنامه‌ریزی فرهنگی است که ما می‌توانیم با ساخت سالن‌های استاندارد نه تنها جلوی مضلات و ناهنجاری‌ها را بگیریم بلکه زمینه رونق کنسرت‌ها را هم فراهم کنیم. یکی دیگر از مشکلات این حوزه خست و تنگ‌نظری در دادن مجوزهاست که در کنار بروز برخی نگاه‌های امنیتی غلط و سلیقه‌های نادرست برخی افسراد به عرصه فرهنگ باعث ایجاد ناهنجاری‌های فرهنگی می‌شوند.

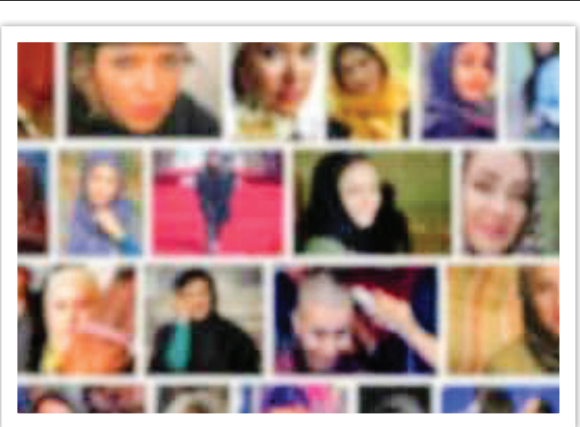
نظیر شما در رابطه با بحث تقویت اقتصاد هنر که یکی از مظاهر عدالت فرهنگی است، چیست و فکر می‌کنید چه اقدامی باید صورت بگیرد که

زمینه تقابل نگاه اقتصادی و معیشتی باعث تحت شعاع قرار دادن عدالت مهندسی فرهنگی ایجاد نشود؟

اگر به طور مثال به صنوف دیگری نگاه کنید، خواهید دید که به دلیل حمایت‌های صنفی و سندیکایی از یک رفاه نسبی برخوردار هستند. شاید به جرئت بتوان گفت وزارت ارشاد تنها جهان چنین سهم مهم و اثر گذاری را تصاحب کند؟! واقعیت این است که آنها به این نتیجه رسیده‌اند که صنایع آینده‌پژوهی جهان در آینده از آن صنایع خلاق است. شما تصور کنید اگر واقعیت این است که ما داشتیم اگر دولت‌ها می‌آمدند فقط در حوزه انجمنین سرمایه‌گذاری می‌کردند، سالی بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد می‌دادند، این نشان می‌دهد نه دولت‌ها اولویت‌شان فرهنگ است نه حتی نهادهای صنفی (به دلیل ضعف و عدم کارایی لازم آنها). نهادهای عمومی مثل شهرداری‌ها هم سعی کرده‌اند رویدادها و حمایت‌های کمی و کیفی را برای خودشان قرار دهند، شما صدواسمرا را هم با آن گستره مورد ارزیابی آنها رویداد محور و مناسبتی است! من روزی که داشتیم موسیقی فرهنگی که «خط قرمز» را می‌دهد دهه ۸۰هنگسازی می‌کردم، شورای موسیقی رادیو و تلویزیون آن زمان من را رد کرده بودند! وقتی با استاد مؤذن که خدا عمر طولانی به ایشان بدهد، صحبت کردم و آمیدوار باشم آنها با من یک معضلی تحت عنوان فرار جوان‌ها از آموزش را داریم، ما سریالی ساختم‌ایم که می‌خواهیم به جوان‌ها هشدار دهیم این کار را نکنند و یکی از روش‌های جذابی که می‌تواند جوان‌ها را با پی‌تلویزیون بشناسد موسیقی است. من اگر بخوام با مدل مرسوم آهنگسازی کنم، جوان‌ها‌یای این سریال نمی‌نشینند، بنابراین اجازه دهید یک مقدار جوان‌پسندی است که هنرمندان حوزه تخصصی ما آنها باعث شد که هم سریال و هم موسیقی آن مورد اقبال جوانان قرار بگیرد. ما نمی‌توانیم با نسل جوان امروز بر اساس الگوی ۵۰ یا ۶۰سال پیش مواجه کنیم و امیدوار باشم آنها با این محصولات هم ارتباط برقرار کنند، قطعاً نسل امروز محصولی متناسب با خودش را می‌طلبد و ما باید با توجه به تغییرات سلیقه‌ای و نسلی محصولات فرهنگی و هنری تولید کنیم تا بتوانیم هم جوانان را با خطرات آشنا و حفظ و هم از فرهنگ و هنر کشورمان محافظت کنیم. یک زمانی خوشحال بودیم که جاهایی مثل حوزه هنری از موسیقی محلی و سنتی ایران حمایت می‌کنند اما الان به دستگهای برای تولید محصولات سفارشی، مناسبتی و روپدایی تأثیر گذار تبدیل شده است.

به نظر شما در ایجاد وضعیت ناخوشایند فرهنگی کنونی سهم ترک فعل و عملکردضعیف مسئولان بیشتر است یا دشمنی کردن دشمنان؟

بحث کوتاهی دستگاه‌های مسئول و نقش آنها در ایجاد وضعیت موجود بیشتر از تهاجم فرهنگی دشمنان و سهم بیگانگان است، چه اینکه بالاخره آنها دشمن هستند و کارشان دشمنی کردن اما نباید همه چیز را به گردن آنها بیندازیم. عملکرد ضعیف مسئولان فرهنگی سبب شده است ما در طول چند سال اخیر یک تصنیف موسیقایی ماندگار نداشته باشیم یا در حوزه موسیقی محلی کدام اقدام خوب صورت گرفته است؟ آیا اقدامی برای احیای مکتبخانه‌های موسیقی شده است؟ همانطور که عرض کردم دولت باید یک جراحی بزرگ فرهنگی را با کمک و همفکری پژوهشگران و صاحبان اندیشه و آغا و برای آینده فرهنگی کشور مدل‌سازی و برنامه‌ریزی کند.



نگاهی به مواجهه وزارت ارشاد با فتنه «زن، زندگی، آزادی»

سایه عقلانیت فرهنگی بر کشف حجاب‌های احساسی

نحوه مواجهه وزارت ارشاد با جریان کشف حجاب تعدادی سینماگر در فضای مجازی که با هدف اعتراض و بعضاً تهییج مخاطب انجام می‌گرفت، به دور از فضای احساسی و هیجان‌زده‌ای شکل گرفت که در مهار این فتنه اثر گذار بود. کشف حجاب‌های برخی سینماگران که غائله گردانان خیلی زود تلاش کردند آن را تبدیل به یک موج کنند اما موفق نبودند، پس از مدتی با واکنش وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی روبه‌رو شد. اسماعیلی در دوم مه‌ماه در گفت‌وگویی در این ارتباط گفت: «دوره جدید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دوره حاکمیت قانون است. ما در خدمت تمامی اهالی فرهنگ و هنر هستیم و چتر دولت و نظام همه‌ا اهالی فرهنگ و هنر را در برمی‌گیرد، مگر کسانی که خودشان مصر هستند زیر این چتر نباشند.»

■ آنها می‌توانند وارد فعالیت‌های دیگری شوند

وزارت ارشاد با تأکید بر اینکه اگر کسی اصرار دارد از قوانین جمهوری اسلامی در سینما تبعیت نکند، ما اصراری بر مجبور کردن آنها به این امر نداریم، اظهار کرد. آنها می‌توانند آزادانه وارد فعالیت‌های دیگری شوند. طبیعتاً هر کسی از هنرمندان که تابع قانون باشد و رفتار قانونی داشته باشد، ما خودمان را خادم او می‌دانیم، ولی کسانی که در خارج از این چارچوب باشند، طبیعتاً انتخاب‌شان همین بوده است.

اسماعیلی با این مصاحبه، از همان آغازین روزهای ناآرامی‌ها خط قرمز خود را در برابر بی‌قانونی ترسیم کرد و به هنرمندان توصیه کرد در مسیر قانون حرکت کنند. در فضایی که خانه سینما صرفاً تماشاچی بود و کسی هم انتظار نداشت با وجود حضور فردی چون مهدی عسگرپور بر صدر هیئت رئیسه این نهاد، مواضع اقداماتی سودمند از آن سر بزند، وزارت ارشاد می‌کوشید رویه‌ای عقلمانی و سازنده در پیش بگیرد، هرچند خانه سینما بعدتر دست به انتشار بیانیه‌های افراطی زد که این نهاد را در حد یک حزب سیاسی تقلیل می‌داد.

■ انتظاری که مردم از هنرمندان دارند

وزیر ارشاد در حاشیه آیین آغاز سال تحصیلی جدید در یکی از هنرستان‌های موسیقی در دوم مهرماه ۱۴۰۱ اهالی فرهنگ و هنر را به آرامش دعوت کرد و گفت: بدخواهان تألم خاطر و ناراحتی ملت را به مسئله‌ای امنیتی تبدیل می‌کنند، در چنین شرایطی است که اهالی فرهنگ و هنر باید به میدان بیایند و پیشاز امیدبخشی در جامعه باشند، زیرا مردم از هنرمندان همین انتظار را دارند. من معتقدم باید از دوطبقی کردن جامعه پرهیز کنیم. نقد و گفت‌وگو و اعتراضی در کشور ما پذیرفته است که از طریق رسانه‌ها منتقل شود اما در این شرایط نباید با هیجان زندگی، امنیت و آرامش کشور را نادیده گرفت. چیزی بگوییم یا بنویسیم که مردم را گمراه نکنند. نقد و گفت‌وگو پذیرفته است اما اینکه التهاب ایجاد و امنیت شهروندان خدشه‌دار شود، این حتماً قرمز است. از همه اهالی فرهنگ و هنر این روز شروع می‌کنیم که آرامش را جامعه تزریق نکنند. مردم را به آرامش دعوت کنند. این توصیه‌های وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گرچه بر جامعه هنر تأثیر گذار بود اما برخی همچنان بر مواضع خود پافشاری کردند. انتشار اخبار و مطالب ناآرامی‌ها، دروغ‌پردازی‌ها و اظهارات غیر واقعی و بدون سند، کار را به جایی رساند که قوه قضائیه، برخی هنرمندان را به اتهام‌های همچون اقدام علیه امنیت ملی، تشویش آذهان عمومی، نشر اکاذیب و حتی همراهی با رسانه‌های بیگانه تحت تعقیب قرار دهد.

این اقدام قوه قضائیه گرچه در راستای مطالبات مردمی و در مسیر حفظ هنجار‌ها صورت گرفت و هیچ ارتباطی با فعالیت‌های هنری این هنرمندان نداشت، اما وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز موظف بود نقش سازنده و فرهنگی خود را در این باره افا کند.

■ ایفای نقش پدران

اسماعیلی که از زمان تصدی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معتقد بود در این وزارتخانه باید نقش پدر را بازی کنیم، در واکنش به تعقیب و ممنوع‌الخروجی هنرمندان، بار دیگر به هنرمندان خطای توصیه کرد در مسیر قانون حرکت و از اظهار نظرهای بی‌سند و غیر واقعی اجتناب کنند، حتی در نشست با فعالان فرهنگی، هنری و رسانه شهرستان محلات که در اواخر این ماه برگزار شد، تأکید کرد: لغوش نظام اسلامی به روی افراد خطا کاری که از رفتار خود پشیمان و نام هستند، باز است. متأسفانه این توصیه‌ها با هم بر هنرمندان تأثیر نداشت و برخی همچنان بر مواضع خود پافشاری کردند.

با شروع احضار برخی هنرمندان و دستگیری‌ها، برخی انجمن‌های هنری که گویی در کمین یک حادثه نشسته بودند، باید وارد بازی می‌شدند و از آب گل آلود ماهی می‌گرفتند. سران برخی از این شکل‌ها با نادیده گرفتن گرفتن تلاش مسئولان در حل تعاملی این تقابل، این اتفاق را نتیجه کم‌کاری آنها عنوان کردند و انگشت‌انقذار را به سمت وزارت ارشاد می‌گرفتند که تمام تلاش خود را برای مهار امنیتی شدن فضا به خرج می‌داد. نمونه بارز این دست از مواضع غیرسازنده بیانیه خانه سینما بود.

خانه سینما بدون توجه به تخلفات محسوس و ملموس چهره‌های قانون‌شکن و صبر و سعه صدر مسئولان در برخورد با آنها، اتهام بازداشت‌شده‌ها را غیرواقعی عنوان کرد و مدعی شد ما تاوان مدیران کارنابلدی را می‌دهیم که در این سال‌ها امکان گفت‌وگو و مکالمه واقعی با مردم را ایجاد نکرده‌اند.

وزارت فرهنگ و ارشاد در برابر این انتقادهای غیرمنصفانه سعه صدر نشان داد و تکلیف‌این تشکل‌ها برای دامن نزدن به التهاب را به آنها گوشزد کرد و بار دیگر بر حمایت از هنرمندان برای گرفتار نشدن در فضای احساسی و غیرعقلانی که دشمن بستر آن را فراهم کرده است، تأکید کرد.

■ فضای گفت‌وگو با هنرمندان باز است

وزیر فرهنگ و ارشاد در گفت‌وگویی در این خصوص گفت: بنا داریم با همه اهالی فرهنگ و رسانه گفت‌وگو داشته باشیم و مسائل‌شان را حل کنیم. این موضوع دوطرفه است و یک طرف این است که ابهامات برطرف شود، حتی اگر هنرمندان دچار مشکلاتی هم شدند، باز باید کمک کنیم، زیرا وزارت فرهنگ و ارشاد ملجا این افراد است و وظیفه خود می‌دانیم به این افراد کمک کنیم، حتی اگر با ما اختلاف نظر داشته باشند یا دچار تفاوت نگاه باشیم. کلیدوازه مهم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این دوره «تدبیر» بود. او معتقد بود به جای اقدامات عجولانه، احساسی، غیرمنطقی و تهدیدآمیز باید با تدبیر حرکت کرد و اقتضائات را رعایت کرد. او در یکی از گفت‌وگوهایش با اهالی رسانه گفت: «گاهی یک جایی اشکالی وجود دارد، اما ما تلاش‌مان را می‌کنیم. در همین آیین‌نامه‌ها که مورد اشاره است، به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اختیارات داده شده است در اتفاقاتی که می‌افتد، بتواند با رعایت اقتضائات و با تدبیر مسائل را حل کند.»

در حقیقت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برخلاف برخی انجمن‌ها و هنرمندان به جای ندیدن سهم خود برای ایجاد آرامش در جامعه و گرفتن رُست طلبکارانه، تلاش کرد حامی هنرمندان در مواجهه با فضا‌سازی‌های دشمن باشد.